

پروردگار مهربان

از تو سپاس گزارم که یک بهار دیگر را در کنار عزیزانم تجربه می کنم. دیدن شکوفه های بهاری و زنده شدن دوباره طبیعت ، همه نشانه ی قدرت توست . از تو می خواهم تا همیشه مرا یاری کنی که بتوانم در درس هایم موفق باشم و موفقیت های بزرگ را برای ایران عزیز به ارمغان بیاورم. در این سال نو سلامتی و خوشبختی را برای همه کسانی که دوستشان دارم آرزو می کنم. عزیزم لحظه ی تحویل سال را روی ساعت نشان بده و سفره ی هفت سین را رنگ آمیزی کن و سپس بنویس که امسال به چه عنوانی نامگذاری شده است؟ چرا آن را به این اسم نامیده اند؟

.....



پروژه

از میان موضوعات زیر ، یک مورد را به دلخواه انتخاب کرده و انجام دهید و

بعد از تعطیلات به معلم خود ارائه دهید.

- ❖ ایران شناسی : تهیه پاورپوینت یا کتابچه تصویری درباره ی یک منطقه، روستا یا شهر (آداب و رسوم، بازی محلی، نوع زندگی، نوع خانه ها ، محصولات و تولیدات ، آب و هوا، سوغات ، جاهای دیدنی و ...) (فایل راهنما به پیوست در گروه گذاشته می شود).
- ❖ تهیه مستند : فیلم کوتاه ، مصاحبه، عکس و توضیحات درباره ی موضوع دلخواه
- ❖ سفرنامه : به صورت پاورپوینت یا کتابچه مصور
- ❖ کتاب صوتی : خواندن یک داستان با لحن مناسب و کارهای خلاقانه (صداگذاری به جای شخصیت ها و ...) از افراد خانواده نیز می توانید کمک بگیرید ولی بیشتر کار با شما باشد.
- ❖ داستان نویسی خلاق با تصویرگری خودت و ارائه به صورت کتابچه



تکلیف دانیو

فرزند کوشا! برای اینکه در این ایام درس هایت را مرور کنی،

در روزهای مختلف ، تکلیف در دانیو برایت آماده شده است که باید با دقت و به طور کامل انجام دهی.

روز	تاریخ	موضوع درس
پنجشنبه	۱۴۰۴/۱۲/۲۸	ریاضی
دوشنبه	۱۴۰۵/۱/۳	فارسی
چهارشنبه	۱۴۰۵/۱/۵	ریاضی
شنبه	۱۴۰۵/۱/۸	علوم
دوشنبه	۱۴۰۵/۱/۱۱	ریاضی

املاي دوره اي



عزيزم ، طبق برنامه اي كه در زير نوشته شده ، در برگه هاي جداگانه املا بنويس و با سليقه خودت ان را تزئين كن و بعد از تعطيلات با پيك نوروذي به معلّم ت تحويل بده .

املاي اول : درس هاي ۱ و ۲ و ۳ فارسي

املاي دوم : درس هاي ۴ و ۵ و ۶ فارسي

املاي سوم : درس هاي ۷ و ۸ و ۹ فارسي

املاي چهارم : درس هاي ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ فارسي

نگارش خلاق



دانش آموز خوبم ، ابتدا در مورد موضوع اصلي " محيط زيست " خوب فكر كن و سپس براي هريك از موضوعات كوچكتر كه در تابلوها نوشته شده است ، يك بند بنويس .

آلودگي

محيط زيست



منابع طبيعي



اهميت

محيط زيست



راه هاي حفظ

محيط زيست



فعالیت تلفیقی



عزیزم : متن زیر را با دقت بخوان و سپس با توجه به آنچه که در درسهایت آموخته ای، به پرسش ها پاسخ کامل بده.

یک روز بهاری در باغ سبز

صبح جمعه (سوم اردیبهشت) هوا آفتابی و آسمان آبی بود. جاوید و خانواده اش تصمیم گرفتند به یک باغ بزرگ در بیرون شهر بروند. همه با شادی وسایل سفر را جمع کردند. و پدر ماشین را برای حرکت بررسی و آماده کرد. خواهر جاوید، ستاره، یک ظرف پر از یخ و آب خنک برداشت تا در راه بنوشند.

جاوید با عجله کمی عطر به لباسش زد و همه سوار ماشین شدند. آن ها ساعت پنج صبح، وقتی پرنده ها تازه بیدار می شدند، حرکت کردند. پدر موسیقی ملایمی گذاشت. در راه، از پنجره به دشت های سرسبز، کوه های بلند و کشاورزانی که با لباس های رنگارنگ در مزرعه کار می کردند، نگاه می کردند و زیبایی های خدا را شکر می کردند.

بعد از سه ساعت، به باغ بزرگی رسیدند. صاحب باغ به آنها اجازه داد وارد شوند. ستاره که تشنه شده بود، سریع ظرف آب را باز کرد اما یخ ها آب شده بودند! او آب خنک را نوشید و زیر لب چیزی زمزمه کرد.

ساعت هشت و نیم، همه دور هم نشستند و صبحانه خوردند. نان تازه، پنیر، سبزی و چای داغ. موقعی که جاوید می خواست لیوان چای را بردارد، دستش لغزید و چای توی سینی ریخت. ستاره با تعجب گفت: «نگاه کن! چای شکل سینی را گرفته!» پدر گفت: «چه جالب! می دانستید که مایعات می توانند به شکل های مختلف در آیند. جاوید گفت: «بله، مواد سه حالت دارند، جامد، مایع و گاز. ستاره هم اضافه کرد: «مایع شکل را می گیرد، ولی جامد شکل» پدر از هوش آن ها خوشحال شد و برایشان دعای خیر کرد.



بعد از صبحانه، همه با هم وسایل را جمع کردند و کمی در باغ قدم زدند. پروانه‌های زیبا دور گل‌ها می‌چرخیدند و زنبورها آهنگِ کارشان را می‌خواندند. بعد، جاوید و ستاره با توپ بازی کردند. مادر هم از خواهر کوچکشان مراقبت می‌کرد.

نزدیک ظهر، مادر از آنها خواست تا برای ناهار کمکش کنند. جاوید و ستاره سالاد کاهو درست کردند و مادر کتلت‌های خوشمزه را گرم کرد. آنها ساعت یک، ناهار را روی سفره چیدند: کتلت، نان تازه، سالاد کاهو و دوغ خنک. همه کنار هم نشستند، دعا خواندند و با هم غذا خوردند. بعد از ناهار، آشغال‌ها را در کیسه گذاشتند و در سطل زباله انداختند تا باغ تمیز بماند. صاحب باغ تعدادی گلدان برای فروش به نمایش گذاشته بود. پدر و مادر با هم صحبت کردند و تصمیم گرفتند چند گلدان گل از باغبان بخرند. قیمت هر گلدان ۱۷۵۰ تومان بود. باغبان گفت: «من عاشق پرورش گل هستم و از هر گلدان فقط ۵۵۰ تومان سود می‌برم.» جاوید مشغول حساب کردن پول پنج گلدان شد و ستاره کنجکاو شد که باغبان چقدر سود کرده است.

ساعت چهار، خسته اما خوشحال، به سمت خانه راه افتادند. وقتی به خانه رسیدند، بوی عطری که جاوید صبح زده بود، همه‌جا را پر کرده بود! مادر گفت: «جاوید! در عطر را نبستی؟» جاوید دوید تا در شیشه عطر را ببندد اما دید تقریباً همه‌اش پریده است. مادر به او تذکر داد که همیشه باید در ظرف‌ها را محکم بست.

بعد همه با همکاری یکدیگر، کارها را تقسیم کردند: لباس‌ها در ماشین لباسشویی، ظرف‌ها در ماشین ظرفشویی و هر وسیله سر جایش قرار گرفت. قبل از خواب، جاوید و ستاره از پدر خواستند هر هفته با هم به گردش بروند. پدر هم قول داد این کار را تکرار کنند.

آن روز بهاری، روزی پر از یادگیری، شادی و با هم بودن بود.

پرسش‌ها:

۱. قسمت‌های نقطه چین در داستان را کامل کن.

۲. در داستان، ستاره یخ را در ظرف گذاشت اما وقتی در ظرف را باز کرد، یخ چه تغییری کرده بود؟

۳. وقتی آن ها به خانه برگشتند، بوی عطر همه جا پخش شده بود. این نشان دهنده چه تغییری در عطر است؟

۴. در ناهار آنها شامل چه خوراکی هایی بود؟

۵. کدام یک از خوراکی های آن ها جزء گروه "شیر و لبنیات" است؟

کاهو و مواد سالاد، جزء کدام گروه غذایی است؟

مواد غذایی که آن ها در وعده ی ناهار خوردند را در بشقاب سلامت بنویس.

۶. قیمت هر گلدان گل ۱۷۵۰ تومان بود. جاوید می خواست حساب کند پدر برای خرید ۵ گلدان چقدر باید پرداخت کند؟ (با استفاده از ماشین حساب به جاوید کمک کن.)

۷. ستاره می خواست بداند باغبان از فروش ۵ گلدان چقدر سود کرده است. چگونه می تواند سود باغبان را به دست آورد؟

۸. پدر خانواده بعد از شنیدن پاسخ درست بچه ها به سوالات علمی، چه کرد؟ این کار پدر، چه احساسی در بچه ها ایجاد کرد؟

۹. جاوید و ستاره در این گردش چگونه به والدین خود کمک کردند؟ (دو مورد را بنویسید.)

۱۰. از کدام جمله های متن متوجه می شوید که خانواده محمد با هم صمیمی هستند؟

۱۱. خانواده جاوید چگونه به حفظ طبیعت و باغ کمک کردند؟

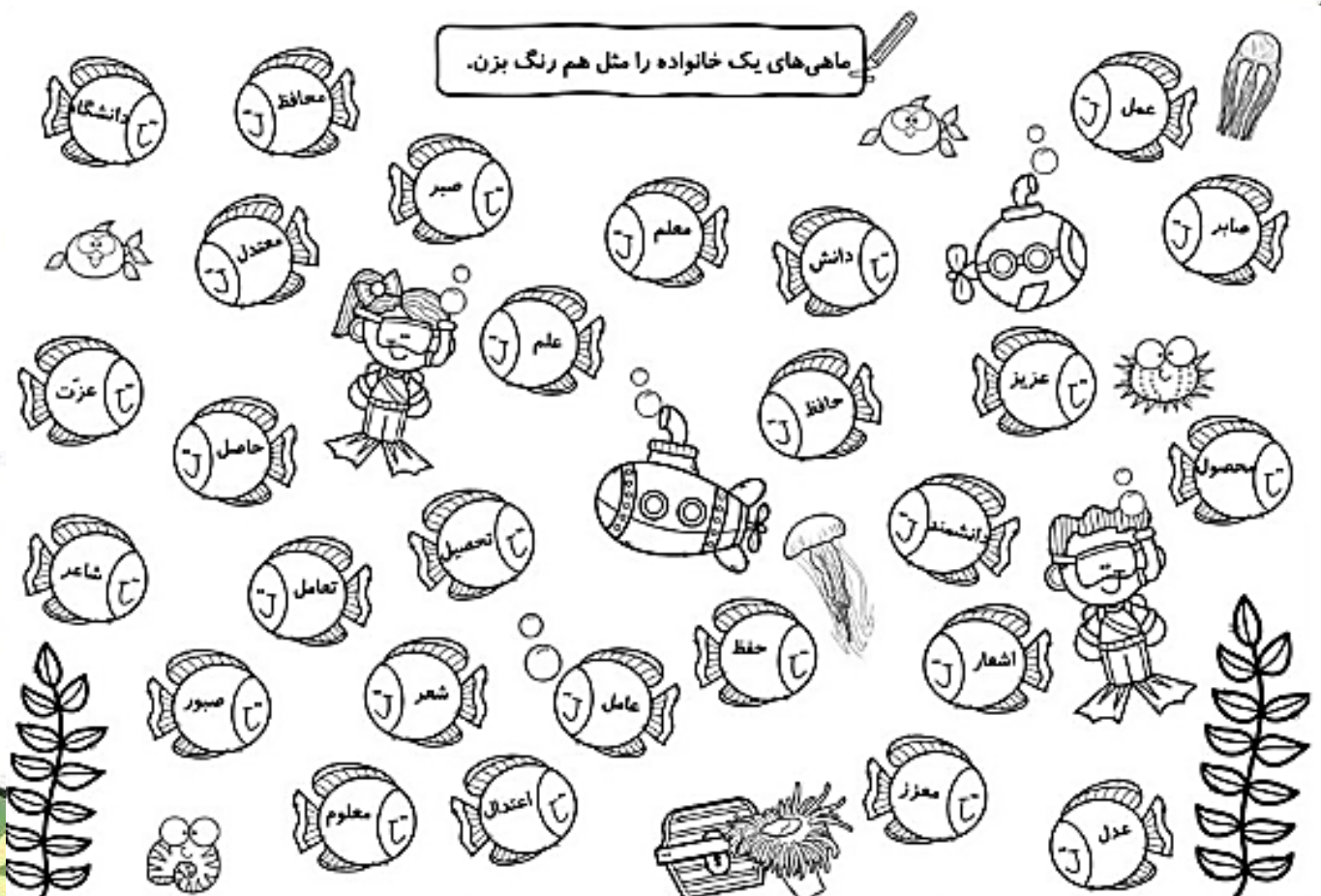
۱۲. اگر آن ها بخواهند از ابتدای سال ، هر هفته جمعه ها به تفریح بروند تا آخر اردیبهشت چند روز را گردش رفته اند؟

۱۳. حساب کنید آن ها چند ساعت خارج از منزل بودند؟



به ستاره و جاوید کمک کن تا هم خانواده ها را پیدا کنند:

ماهی های یک خانواده را مثل هم رنگ بزن.



فعالیت تلفیقی



دلبندم : متن زیر را با دقت بخوان و سپس با توجه به آنچه که در درسهایت آموخته ای، به پرسش ها پاسخ کامل بده.

تعطیلات نوروزی در مزرعه

جاوید پسر باهوش و فعالی بود که کلاس سوم ابتدایی درس می خواند. تعطیلات عید نوروز همراه خانواده اش به مسافرت رفتند تا به زمین کشاورزی شان که در نزدیکی شهر بود، سر بزنند و برای کاشت محصولات جدید آماده اش کنند.

صبح روز بعد، پدر به او گفت : «برای زمین کشاورزی مان به چند وسیله نیاز داریم. من ۵۰ هزار ریال به تو می دهم. از مغازه ای که در چهارراه اصلی شهرک است، سه جنس بخر: یک بسته بذر به قیمت ۱۵ هزار ریال، یک کیسه کود به قیمت ۲۰ هزار ریال و یک جفت دستکش باغبانی به قیمت ۸۰۰۰ ریال. اگر توانستی این ها را با پول کمتری بخری، باقیمانده اش سود تو هست و می توانی برای خودت سوغاتی بخری.»

جاوید خوشحال شد و با خودش فکر کرد: «چه فرصت خوبی! هم به پدر کمک می کنم، هم می توانم برای خودم یک یادگاری از این سفر بخرم.»

او پول را گرفت و راهی چهارراه اصلی شد. اما در راه به چهارراهی رسید که چهار مسیر مختلف داشت. یک مسیر به فروشگاه لوازم کشاورزی، یکی به پارک ساحلی، یکی به بازار چه صنایع دستی و دیگری به اقامتگاهشان. کنار هر مسیر یک تابلو نصب شده بود که فاصله ها روی آن نوشته شده بودند:

مسیر فروشگاه ۱۰۰۰ متر

مسیر پارک ۲۲۰۰ متر

مسیر بازارچه ۳ کیلومتر

مسیر اقامتگاه ۱۵۰۰ متر



او برای انتخاب بهترین مسیر و برای اینکه بتواند فاصله ها را مقایسه کند همه را به کیلومتر تبدیل کرد.

شما نیز این کار را در قسمت بالا انجام بده.

سپس تصمیم گرفت ابتدا به فروشگاه برود. او با خوشحالی راهی شد. در فروشگاه، وسایل مورد نظر را پیدا کرد

و قیمت ها را پرسید. فروشنده ی مهربان گفت: «چون تو برای کمک به پدرت و آبادانی زمین آمده ای، من

قیمت ها را کمتر می کنم و با تخفیف به شما می فروشم.

بذر ۱۳۰۰۰ ریال ، کود ۱۸ هزار ریال و دستکش ۷۰۰۰ ریال .
جاوید خوشحال شد چون قیمت‌ها کمتر از چیزی بود که پدر گفته بود.
حالا شما حساب کن که چه مبلغی برای علی باقی می ماند؟

سپس برای خرید سوغاتی به سمت بازارچه صنایع دستی رفت و یک اسباب بازی زیبا خرید و به طرف مزرعه برگشت.

در مزرعه پدر منتظرش بود . پدر گفت آفرین علی! حالا بیا با من کمک کن تا دور تا دور زمین را اندازه بگیریم تا بتوانیم برای آن سیم خاردار تهیه کنیم و حصارکشی کنیم تا از محصولات محافظت کنیم. علی متر را آورد آن‌ها درازا و پهنای زمین را اندازه گرفتند. طول ۹ متر و عرض آن ۷ متر بود علی گفت من می‌توانم محیط زمین را محاسبه کنم و بگویم برای حصار به چند متر سیم خاردار نیاز داریم.
او محیط زمین را به دست آورد. پدرش خوشحال شد و گفت برای این که حصار محکم‌تر باشد، بهتر است دو بار دور زمین را سیم خاردار بکشیم.

حالا شما حساب کن که باید چند متر سیم خاردار بخرند؟

پدر علی به بازار رفت و سیم خاردار تهیه کرد. فردای آن روز یکی از باغبان‌های آنجا به کمک آن‌ها آمد و دور



زمین را با سیم خاردار حصار کشیدند.

ستاره و برنامه‌ی جادویی

در یک روز آفتابی بهار، دختری به اسم ستاره در اتاقش نشسته بود. موبایل در دست چپش، تلویزیون روشن بود و تبلت هم روی پایش قرار داشت. ستاره عاشق وسایل الکترونیکی بود و هم‌هی وقت خود را با آن‌ها می‌گذراند.



مامان صدا زد: «ستاره جون، تکالیف رو انجام دادی؟»

ستاره سریع جواب داد: «بعداً انجام می‌دم ماما!» اما «بعداً» هیچ وقت نمی‌آمد.

پدرش گفت: «دخترم، ساعت خوابت گذشته، برو بخواب.»

اما ستاره باز هم مشغول بازی بود و تا دیر وقت بیدار ماند. فردا صبح خواب‌آلود بود و دیر به مدرسه رسید.

خانم معلم مهربان، متوجه تغییرات ستاره شده بود. یک روز او را کنار کشید و گفت: «عزیزم، تو دختر باهوش و بااستعدادی هستی، ولی این روزها همیشه خسته‌ای و تکالیف را کامل انجام نمی‌دهی. مشکل چیه؟»

ستاره سرش را پایین انداخت و گفت: «نمی‌دانم خانم معلم، فقط همیشه وقت کم می‌آورم.»

خانم معلم لبخندی زد و گفت: «فکر می‌کنم یک راه حل جادویی دارم. می‌خواهی امتحانش کنی؟»

ستاره با تعجب پرسید: «راه حل جادویی؟»

خانم معلم یک کاغذ رنگی و چند ماژیک به او داد و گفت: «امروز بعد از مدرسه، یک برنامه‌ی روزانه برای خودت درست کن. مثل جادوگران برنامه‌ریزی!»

آن روز بعد از مدرسه، ستاره به جای روشن کردن تلویزیون، کاغذ رنگی را برداشت. او با رنگ‌های شاد یک جدول کشید و کارهایش را نوشت:

برنامه‌ی جادویی ستاره : ۱. بعد از مدرسه: ناهار و استراحت (۱ ساعت) ۲. انجام تکالیف (۲ ساعت)

۳. بازی با موبایل یا تماشای کارتون (۱ ساعت) ۴. کمک به ماما در خانه (نیم ساعت) ۵. مطالعه کتاب

مورد علاقه (۱ ساعت) ۶. شام با خانواده ۷. آماده شدن برای خواب ۸. ساعت ۹ شب: خوابیدن

بهار این برنامه را روی دیوار اتاقش چسباند. روز اول سخت بود. وقتی ساعت بازی با موبایل تمام شد، دلش می‌خواست باز هم ادامه دهد، اما به برنامه نگاه کرد و موبایل را خاموش کرد.

بعد از چند روز، اتفاق جادویی افتاد! او دیگر صبح‌ها خواب‌آلود نبود. تکالیفش را به موقع انجام می‌داد و حتی نمره‌هایش بهتر شده بود. یک روز که زود تکالیفش را تمام کرد، با ماما کیک پخت و کلی خوش گذراند.

پدر و مادر ستاره خیلی خوشحال بودند. پدر گفت: «دخترم، تو حالا خیلی منظم شده‌ای و ما به تو افتخار می‌کنیم.»

در مدرسه نیز خانم معلم او را تشویق کرد و گفت: "دیدی برنامه‌ریزی چقدر جادویی است؟" ستاره حالا فهمیده بود که با برنامه‌ریزی می‌تواند هم از وسایل الکترونیکی لذت ببرد و هم کارهای دیگرش را انجام دهد. او زمان کافی برای بازی با دوستانش، کتاب خواندن و کمک در خانه داشت. از آن به بعد، ستاره به یک دختر منظم و درس خوان تبدیل شد و همه از پیشرفت او شگفت‌زده بودند. او حالا می‌دانست که بزرگ‌ترین جادو، برنامه‌ریزی و نظم است!

فرزند عزیزم، حالا که این متن را خواندی، به سؤالات زیر با فکر و اندیشه پاسخ بده:

۱. نام شخصیت اصلی داستان چه بود؟

۲. شخصیت‌های فرعی داستان چه کسانی بودند؟

۳. ستاره در ابتدای داستان وقت خود را بیشتر با چه چیزهایی می‌گذراند؟

۴. مشکل اصلی ستاره چه بود که پدر و مادر و معلمش ناراضی بودند؟

۵- "راه حل جادویی" خانم معلم چه بود؟ آیا واقعاً جادو بود؟ توضیح بده.

۶. بعد از اینکه ستاره برنامه‌ریزی را شروع کرد، چه تغییراتی در زندگی‌اش به وجود آمد؟

۷. به نظر تو، چرا برنامه‌ریزی و داشتن نظم مفید است؟

۸- استفاده‌ی زیاد از موبایل و بازی با تبلت یا زیاد تماشا کردن تلویزیون، چه تأثیراتی روی ما می‌گذارد؟

۹. وقتی تمام وقتمان را با وسایل الکترونیکی پر کنیم، چه فرصت‌های خوبی را از دست می‌دهیم؟

۱۰. آیا استفاده از این وسایل همیشه بد است؟

۱۱. آیا تا به حال از موبایل، تبلت یا کامپیوتر به عنوان یک ابزار یادگیری استفاده کرده‌ای؟ توضیح بده.

۱۲. وسایل الکترونیکی می‌توانند به خلاقیت ما کمک کنند. چند مثال بزن.



$$\square \div 6 = 6$$

$$\times$$

$$21 \div \square = \square$$

$$=$$

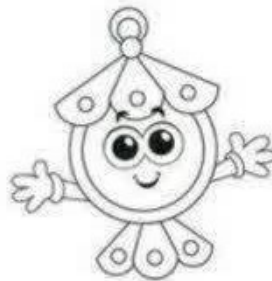
$$18 \div 9 = \square$$

$$\times$$

$$5 \times \square = 10$$

$$=$$

$$\square \times 5 = 20$$



عزیزم، خانه‌های خالی را
با اعداد مناسب کامل کن
و سپس رنگ آمیزی کن.

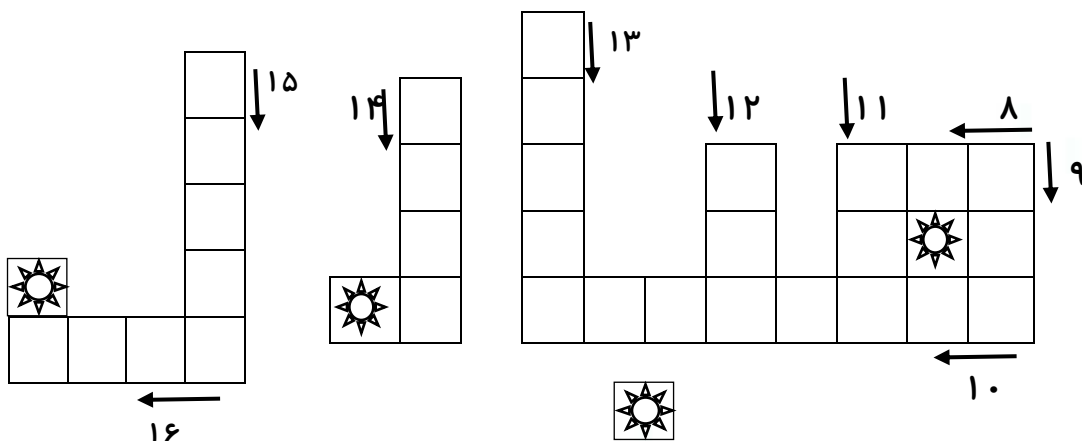
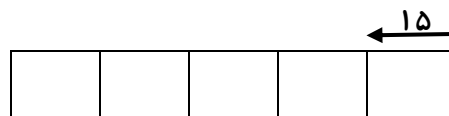
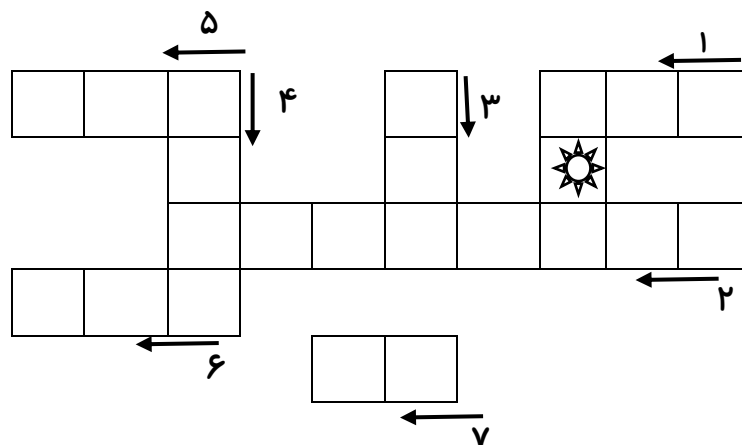




جدول

- ۱۰- حیوانی که در سفره هفت سین می گذارند.
- ۱۱- قرآن ، ... و روش خوب زندگی کردن را می آموزد.
- ۱۲- کلمه ای که هم خانواده صداقت می باشد.
- ۱۳- مهمترین عید باستانی ایرانیان چیست.
- ۱۴- نام کتابی که در ماه رمضان نازل شده است.
- ۱۵- نام ماه قمری که مسلمانان در آن روزه می گیرند.
- ۱۶- نام سفره ای که در ماه رمضان هنگام اذان مغرب دور آن جمع می شویم .
- ۱۷- در ماه رمضان ، ... خداوند شامل حال روزه داران می شود. (هم خانواده رحم است)

- ۱- ورزشی که روزه را باطل می کند.
- ۲- به کسی که روزه گرفته چه می گویند.
- ۳- زوج نیست.
- ۴- وعده غذایی که قبل از اذان صبح می خوریم.
- ۵- میوه ای که در سفره هفت سین گذاشته می شود.
- ۶- نام گلی خوشبو.
- ۷- مردم در عید نوروز چه لباسی می پوشند؟
- ۸- نام شب نزول قرآن و نام یکی از سوره های قرآن .
- ۹- نام یک جزیره در جنوب ایران.

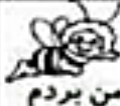

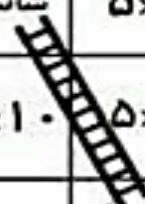









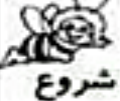




بازی مار و پله



با اعضای خانواده بازی کن:

روش بازی : مثل بازی مار و پله ، بعد از انداختن تاس حرکت می کنیم . روی هر خانه ای که ایستادیم حاصل ضرب آن را می گوئیم و نفر بعدی تاس می اندازد. اگر بازیکنی نتوانست حاصل ضرب را بگوید یک مرحله بازی نمی کند.

 من بردم	واااای...	6×8	چه شانسی!	5×9	4×10	5×8	نههه...	6×10	به به!
5×6		3×7		5×5	2×10	5×7	6×9	9×9	8×2
6×6		6×7	2×9		4×9		9×8	8×3	7×9
7×10	نیش نیش	2×8	3×10	9×5	هورا	9×7	8×4	7×8	4×8
4×3	2×7	3×9	1×5		9×6	8×5	7×7	4×7	
2×6	آخ جون	5×4	6×5		7×5	7×6	4×6	3×6	9×10
3×8	5×3	6×4	9×4	8×7	بدو پایین	4×5	3×5	2×5	9×3
5×2	6×3		8×8	2×1		3×4	2×4	8×6	4×2
6×2	9×2	8×9	متاسفم	یوهو!	3×3	2×3	7×4		3×1
 شروع		7×2		3×2	2×2	1×5	7×3	4×1	8×10